





نشر افرنگان

تهران، خیابان انقلاب، خیابان منوری چاره‌اند کوچی مین

شماره ۴، تلفن ۶۶۳۱۳۶۳۶

وبسایت: آمانسازی و امور فنی

تحریریه انتشارات ققنوس



گوئن میلوارد

خرمن و پرند

ترجمه فریده خزنی

چاپ اول

۱۳۹۲

۱۵۰۰ نسخه

چاپ تشریحی

حق چاپ محفوظ است

شماره ۸۰۰-۶۷۵۳-۶۰۰-۹۷۸

ISBN 978-600-6753-80-5

www.A.farnegan.coopn.co.ir

Printed in Iran

۸۰۰۰ تومان

این کتاب ترجمه‌ای است از

*Bear and Bird*

Gwen Millward

Egmont, 2012

سرشناسه: جیلارد، گوئن

عنوان: خرمن و پرند (نویسنده: گوئن میلوارد، مترجم: فریده خزنی)

مشخصات نشر: تهران، افرنگان، ۱۳۹۲

مشخصات فیزیکی: ۲۸۰ صفحه، تصویرنگار

فرمت نشر: افرنگان، ۱۵۲

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۵۳-۸۰-۵

وبسایت: آمانسازی و امور فنی

یادداشت: عنوان اصلی: *Bear and Bird*

یادداشت: گروه سنی: کودکان

موضوع: داستان‌های حیوانات

موضوع: طبیعت - داستان

شناسه اثر: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۵۳-۸۰-۵

تاریخ چاپ: فروردین ۱۳۹۲، ۱۵۲ صفحه

شماره کتابخانه ملی: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۵۳-۸۰-۵





# خبریں و پرنده


گوئن میلوارڈ  
ترجمہ قریبہ خرمی



نشر المہنگان ۱۸۲




خرس و پرنده دوستان جان جانی همدیگر بودند.



آن‌ها با هم در خانه‌ای وسط جنگلی زیبا  
زندگی می‌کردند؛  
خانه‌ای که خرس خودش آن‌را  
ساخته بود.



خرس و پرندۀ هر روز به جنگل می رفتند و  
برای درست کردن آتش هیزم جمع می کردند  
و برای شام دنبال دانه و حشره می گشتند.



... پرنده آوازهای مورد علاقه‌ی  
خرس را می‌خواند.

همان موقعی که خرس سخت  
مشغول مراقبت از پرنده بود و  
سوپ مورد علاقه‌ی او یعنی سوپ  
سرشاخه‌های درخت غان و میوه‌ی  
گل سرخ را می‌پخت...

زمستان داشت از راه می‌رسید و  
جغد دانا به همه حیوانات جنگل  
خبر داده بود که امسال هوا  
خیلی سرد می‌شود.

جغد به حیوانات گفت که تا می‌توانند  
هیزم و غذا جمع کنند، آن قدر که تا  
بهار بماند.

برای همین خرس و پرندۀ تا  
جایی که می‌توانستند  
هیزم و غذا جمع کردند.





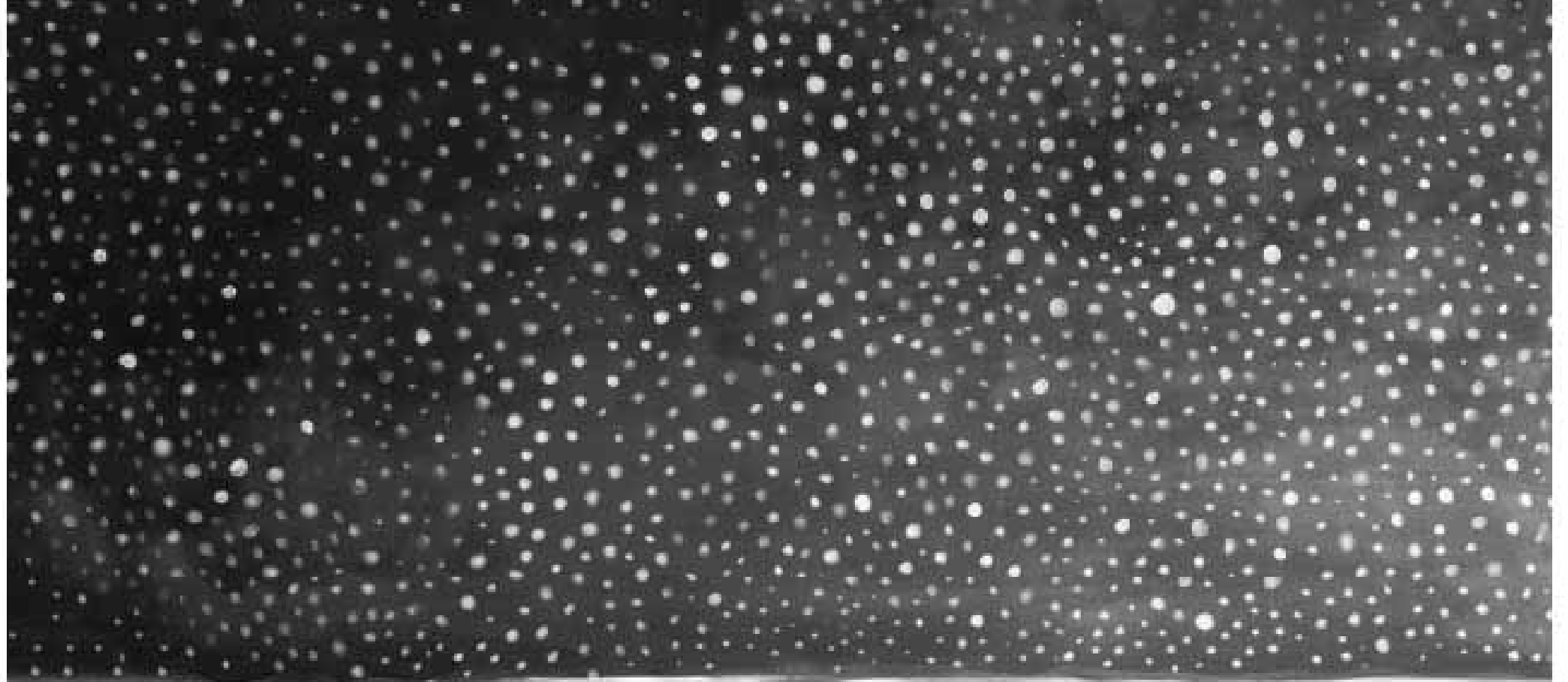


در یک غروب خیلی سرد، پرنده  
تمام هیزمی را که جمع کرده بودند،  
ریخت توی شومینه.

دیگر هیزمی برایشان باقی نماند.



خوس آهی از ته دل کشید و در آن شب برفی برای پیدا کردن هیزم از خانه بیرون رفت.





ساعت‌ها گذشت و خرس به خانه برنگشت.

پرنده کم‌کم نگران شد.



چرا هنوز برنگشته؟

یعنی خرس کجاست؟

جایی گیر افتاده؟



کم شده؟



پرنده ناچار بود شجاع باشد.

او گرم‌ترین شالش را دور گردنش پیچید و  
کلاهش را بر سرش گذاشت  
و از خانه بیرون رفت تا دنبال خرس بگردد.